



جهاد در

قرآن

(تفسیر آیات جهاد)

بسم الله الرحمن الرحيم

هرگز روح عافیت طلب و تن پروری یک انسان آما دگی برای وارد شدن در صحنه نبرد و بیگار رانندگی، و هیچگاه آن نهایی که هدفی جز منافع شخصی و لذت های حیوانی و بهتری نیستن ندارند با عشق و شوق به میدان دشمن نمی روند و خود را با خطرات مواجه نمی سازند، انسان از خود گذشته ای باید تا جان و مال خویش را در طبق اخلاص بگذارد و در راه "الله" جا بازی نماید.

و بر همین اساس است که در کلام پیامبر (ص) جهاد با نفس جهاد بزرگتر نامیده شده است.

جهاد در قرآن

در قرآن از جهاد با دو واژه یاد شده است، یکی واژه جهاد و دیگری واژه قتال، که بمعنی کارزار نمودن و جنگیدن است. واژه جهاد که بمعنی تلاش و کوشش است تمام اقسام جهاد و شیوه های مبارزه با دشمن چه دشمن باطنی، یعنی نفس، و چه دشمن ظاهری، و چه جهاد با مال، بهان، قلم، و نظائر آنرا شامل است و اختصاص بنوع خاصی ندارد، مگر آنکه شواهد و قرائنی در کلام باشد که بنوع خاصی آنرا اختصاص دهد، ولی واژه "قتال" بنوع خاصی از جهاد گفته می شود که همان جنگیدن با دشمن ظاهری است.

قرآن موضوعات و مسائل زیادی را با یکی از این دو واژه مطرح ساخته است که از جمله آنها آموزشهاست:

- ۱- فرمان جهاد و تگوش از ترس آن.
- ۲- علل عشق به جهاد و علل فرار از جهاد
- ۳- انگیزه جهاد در اسلام
- ۴- شرایط

فرمان جهاد در قرآن

آیات در ترغیب و تشویق و فرمان به جهاد در قرآن فراوان است و

از جمله مسائلی که در قرآن از اهمیت زیادی برخوردار است مسئله "جهاد" است. جهاد از "جهد" (بفتح جیم) و با از "جهد" (بضم جیم) بمعنی طاقت و مشقت گرفته شده است. راغب صاحب کتاب المفردات فی غریب القرآن می گوید:

"الجهادُ استِغْراغُ الوُجُحِ فی مُدافَعَةِ لَعْدُو"

جهاد نهایت رساندن تمام قدرت و توان است در دفاع از دشمن. در هر حال معنی جهاد تلاش و کوششی است که همراه با مشقت باشد.

آیه ۷ عنکبوت و ۱۴ لقمان روشنگر همین معنا است: "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا وَأَنْ جَاهِدَا كَمَا تَشْرِكُ" "بِئْسَ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ بِهِ جَوْلًا فَلَا تَحْقِقْهَا (۱)"

انسان را سفارش نمودیم که با پدر و مادر در به نیکی رفتار نماید و اگر آنان تلاش و کوشش نمودند تا تو را از راه صحیح توحید به شرک گرایش دهند، پس آنان را فرمانبردار مباش.

با توجه بمعنی و مفهوم گسترده ای که جهاد دارد و هر نوع تلاش و کوششی که با مشقت همراه است "جهاد" نامیده می شود، آنرا سه دو نوع "جهاد با نفس" یا خودسازی و "جهاد با دشمن" تقسیم می کنند، و در گفتار معصومین سلام الله علیهم نیز به این دو نوع از جهاد اشاره شده است، و در فصل از جهاد، با نفس و عدو در کتب حدیث وجود دارد، و همانگونه که جهاد مبارزه با دشمن مشکلات و رنج و مشقت دارد جهاد با هواها و هوسها و قوای حیوانی نیز رنج و دشواری فراوان دارد که برای آنها که خود را در مسیر خودسازی قرار داده اند تحمل آن مشقات لازم و ضروری است، تا آنجا که موفقیت در مبارزه با دشمن هم بستگی دارد به خودسازی و پشت پازدن به آنچه که پایبند ناسه است

برای نمونه به چند آیه اشاره می شود:

”يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَبْتَكُمْ إِلَيْهِ“
 ”لَوْ سِئَلْتُمْ وُجُوهَ جَدِّوَالِئِي سَبِيلَهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٢)“
 در برخی آیات مخاطب را با امر (ص) قرار داده و در واقع هر
 را برگرد آوردن مردم و حرکت آنان برای مبارزه با دشمن مأمور ساخته
 است مانند آیه:

”يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ (٣)“
 ای پیامبر جهاد کن با کفار و منافقین
 وآیه ”يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ (٤)“

ای پیامبر مؤمنین را ترغیب نما بر کارزار نمودن .
 و در باره ای آیات جامع ”مؤمنین مورد خطاب قرار گرفته و دعوت
 به جهاد نمود ما است مانند آیه ای که هم اکنون مورد بحث قرار میگیرد ،
 در این آیه مؤمنین را به سه موضوع اساسی فرمان داده است : موضوع
 اول تقوی است ، یعنی خود نگه داری از انفرمانها و کج رویها و خارج
 شدن از مسیر حق و صراط مستقیم و به تعبیر دیگر خود سازی و مجاهده
 با هواها و هووسهای نفسانی .
 موضوع دوم طلب نمودن وسیله است ، ”وَابْتَغُوا إِلَيْهَا الْوَسِيلَةَ“ یعنی
 طلب کنید بسوی او وسیله را .
 آیه سوم ”وَأَزِهْ“ و وسیله بمعنی رسیدن و وصل شدن بچیزی است که با شوق و
 رغبت همراه است :

”قَالَ لِرَاغِبٍ فِي الْمَعْرِفَاتِ ، الْوَسِيلَةُ ، التَّوَصُّلُ إِلَى الشَّيْءِ بِرَغْبَةٍ
 وَهِيَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَسِيلَةِ لِتَضَمُّنِهَا لِمَعْنَى الرِّغْبَةِ قَالَ تَعَالَى وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
 الْوَسِيلَةَ حَقِيقَةً لَوْ سِئَلْتُمْ عَنِ السَّبِيلِ مَا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ وَالْعِبَادَةُ وَتَحَرُّرُ
 مَنَازِمِ الشَّرِيعَةِ وَهِيَ كَالْقُرْبَى“

ترجمه : وسیله وصل شدن بچیزی است با رغبت و بدون خصوصیت
 رغبت و علاقه در آن منظور است ، لذا احسن از وسیله (با صاد) که هر
 نوع اتصالی را شامل است می باشد و حقیقت وسیله بسوی خدا که در آیه
 بدان امر شده است مراعات ترا خدا با علم و عبادت و متصف شدن به
 فضائل و اخلاق بزرگ شریعت است . و وسیله مانند قرب و نزدیک شدن
 است که با اعمال صالحه و عبادی حاصل می شود ، آیه ”وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
 الْوَسِيلَةَ“ شیخ طوسی قدس سره در تبیان در تفسیر آیه می گوید : ”وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
 ” تَوَسَّلُوا إِلَيْهِ أَي تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ“

یعنی : نزدیک شدن به تو .
 و معنی آیه اینست : طلب کنید بسوی او وسیله را ، یعنی قربت را .
 بنا بر آنچه گفته شد و شیخ طوسی دیگری از مفسرین گفته اند
 معنی آیه این میشود که : نزدیک شدن و قرب بخدا و ندر اطلب نمائید .
 بعضی دیگر وسیله را ”ما يتوصل به الى الشيء“ و بتقرب به الله معنی
 کرده اند ، یعنی چیزی که سبب وصل و قرب میشود ، همان معنا و مفهومی
 که در زبان فارسی از کلمه وسیله منظور است و گفته می شود وسیله رفتن
 وسیله را و سائل کار ، یعنی مقدمه و ابزار رسیدن به هدف .

قال في لسان العرب ، الوسيلة في الأصل ما يتوصل بها الى الشيء و
 يتقرب به اليه و وصل فلان الى الوسيلة اذا عمل عملا ”تقرب به اليه“
 یعنی وسیله در اصل چیزی است که توسط آن بچیزی دیگر رسیده
 می شود و نزدیک با می گردد ، و آنگاه کسان عملی انجام دهد که به
 واسطه آن نزدیک بخداوند شود گفته میشود :
 ”وَصَلَ فُلَانٌ إِلَى الْوَسِيلَةِ وَفِي اقْرَبِ الْمَوَارِدِ الْوَسِيلَةَ“
 ”ما يتقرب به الى الغير“

وسیله چیزی است که سبب آن به غیر نزدیک می شود .
 بنا بر این معنا و منظور از آیه اینست که طلب کنید بسوی خدا آنچه
 سبب قرب و نزدیکی شما با او می گردد ، و مقصود در هر دو معنا یکی است
 چه گفته شود طلب کنید قرب و نزدیکی به او را ، و چه گفته شود طلب
 کنید چیزی را که موجب قرب و نزدیکی به او می شود .

**بطور ار جهاد آن نوع
 کاری و کوششی است که
 قصد برای خدا انجام میشود**

أَتَمُّهُ مَعْتَصِمِينَ وَسَائِلَ إِلَى اللَّهِ هَسْتَدُ

در باره ای آیات آیه به همراه تطبیق شده است و آن را وسیله ای
 الله نامیده اند : ”وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ“
 امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : ”وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ“ (٥)

یعنی امیرالمؤمنین (ع) می فرماید در میان این جمله از آیه (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
 الْوَسِيلَةَ) : ”من وسیله خداوند هستم“ .
 و در همین اخبار الرضا نقل می کند از علی بن موسی الرضا علیه السلام
 قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ”وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ“
 ”لَا تَقْرَبُونَ وَلَا تَدْنُونَ مِنْهَا إِلَّا بِالسَّبِيلِ“
 ”وَمَنْ عَمَّا هُمْ فَقَدْ عَمِيَ اللَّهُمَّ الْغُرُوبُ الْوَسِيلَةُ“
 ”إِنِّي إِلَهُ تَعَالَى“

یعنی علی بن موسی الرضا فرمود که به پیغمبر فرمود : امان از فرزند
 حسین هستند ، هر کس آن را اطاعت کند خداوند را اطاعت نموده ،
 و هر کس کسان را نافرمانی نماید خدا را نافرمانی کرده است ، آنها
 دستگیر محکم الهی هستند و وسیله بسوی خداوند .
 در این روایت گویا بهر اذکر نمود ما است ، ولی بعید نیست اشاره
 بهمان آیه باشد .
 در تفسیر علی ابن ابراهیم آیه را چنین تفسیر می کند :
 ”تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْمَسْئَلِ“
 نزدیک شوید بسوی او و توسط امام

منظور از این روایات تطبیق یا است بر امام، یعنی یکی از روشن ترین و کاملترین معادیق وسیله‌ها هستند که موجب قرب و نزدیک شدن انسانها بخدا می‌شوند و اساساً اگر هبیری و امامت‌ها همه مومنین نباشد، قرب بخدا حاصل نمی‌گردد، همانگونه که در روایات زیادی مسئله ولایت شرط قبولی و پذیرش اعمال قرار داده شده است (۶)

وسيله يادرجه‌ای از درجات بهشت

در برخی از روایات شیعه و سنی وارد شده است که وسیله نام یکی از عالیترین منازل و درجات بهشت است. در روضه کافی خطبه‌ای از امیر المؤمنین نقل می‌کند که بنام خطبه وسیله نامیده شده است، چنانکه خصوصیات وسیله که یکی از منازل و درجات بهشتی است در آن بیان شده است، در ابتدا آن خطبه می‌فرماید:

”يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ وَعَدَّ نَسَبَهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوَعَدَهُ لِحَقِّ وَلِيِّكَ خَلِيفَةَ اللّٰهِ وَعَدَّهُ اٰلًا“
”وَ اِنَّ لِّوَسِيْلَةٍ عَلٰى دَرَجَاتٍ الْجَنَّةِ...“ (۷)

ای مردم بدرستی که خداوند وعده داده است به پیامبرش محمد (ص) وسیله را، و وعده خداوند حقی است و خداوند وعده خود را تخلف نمی‌کند، آگاه باشید که وسیله عالیترین درجات بهشت است، سپس اوصاف آنرا شرح می‌دهد.

و از رسول خدا (ص) نیز روایت شده است که فرمود:

”سَلُّوا اللّٰهِي الْوَسِيْلَةَ فَاِنَّهَا دَرَجَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ لَا يَنْالُهَا“
”اِلَّا عَبْدًا وَّجِدَّ وَّارِجًا وَّانْ كُوْنَتْ اَنَا هُوَ“ (۸)

سؤال کنید از خداوند برای من وسیله را، زیرا آن درجه‌ای است در بهشت که نمی‌رسد به آن، مگر یکی از بندگان خدا، و امیدوارم که آن بنده من باشم.

و در یکی از دعاها هم می‌خوانیم:

”واعظ محمدًا الوسيله“
عظ فرما به محمد وسیله را

ولی باید توجه داشت که این معنای وسیله به تنهایی ندارد، زیرا این درجه‌ای که در بهشت برای پیامبر است تجسم همان مقام قرب و نزدیکی پیامبر است بخداوند که قهرآ مقام قرب رسول را هیچ فردی نخواهد داشت، و ما هم که از خدا برای رسول این مقام را طلب می‌کنیم برای خود با این دعا آرزوی در درگاه الهی می‌یابیم، چون دیگر دعاها و طلب رحمت‌هایی که برای رسول خدا می‌نمائیم.

موضوع سوم در آیه جهاد در راه خداست که هم جهاد بانفس را شامل است، و هم جهاد ببا دشمن را.

رابطه سه موضوع در آیه

بعضی از مفسرین فرموده‌اند که رابطه این سه موضوع از قبیل ذکر خاص بعد از عام است، زیرا ”تقوی“ مفهومی است عام که شامل قرب و وسائل

قرب الی الله می‌شود و وسیله که معنی تقرب یا وسیله تقرب است شامل جهاد و غیر جهاد از اعمال عبادی دیگری می‌شود و جهاد خاص از وسیله است، همانطور که وسیله خاص از تقوی است، و چون وسیله و جهاد از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا جداگانه ذکر شده‌اند، ولی می‌توان گفت که این سه موضوع هر کدام مقدمه و راه برای دیگری است، زیرا قدم اول برای رسیدن بحق خود سازی و پاک ساختن صفحه دل از کدورتها و تیرگیها می‌باشد که بدنبال نافرمانیها و گناهان در آن پدید آمده است و تا انسانی خود را از بند و قید سارت هواها و هوسها و شیطانها و رهائی نبخشد و فکرو دل خود را از آلودگیها، حسدها، بغضها و کینه‌ها و علاقه‌های گوناگون دست و پا گیر مادی پاک نسازد، و خلاصه جهت هدف را برای خود در اید و عمل ننهد، ب ننگد نمی‌تواند بسوی خدا راهی بیابد و به مقام قرب نائل گردد.

پس باید اول حالت تقوی و خود نگهداری از گناه در انسان پدید آید تا بتواند در مسیر حرکت و سیر الی الله قرار گیرد. گرچه تقوی خود نیز بعضی از درجات قرب بخدا را شامل است، ولی باید آرا بودن مقام تقوی همه درجات قرب پیموده نمی‌شود و تقوی نیز خود دارای مراحل و درجاتی است، پس اگر کسی بخواهد بدرجات عالی از قرب بخداگونه شدن بر آید ضروری است که باید متقی باشد و با آلودگی‌های به آن سرانجامت، و پس از آنکه انسان خود را از آلودگیهای اخلاقی پاک ساخت و عشق و شوق خدا در فکرو روانش شعله ور گردید ماده جاننازی و فداکاری در راه عشق و معبودش می‌شود، و تا انسانی از خود ولدتهای خود و حیات و هستی خویش برای خدا نگذرد و علاقه به خدا را بهر علاقه‌های دیگر ترجیح ندهد در مقام مجاهد بر نمی‌آید، زیرا منظور از جهاد آن نوع فداکاری و کوششی است که فقط برای خدا انجام می‌شود و هدف و انگیزه دیگری جز او ندارد، لذا پس از بیان دو موضوع خود سازی و خدا جوئی با جمله ”وَجَاهِدْ وَاَنْفِي سَبِيْكَ“ فرمان جهاد می‌دهد، و سپس بعنوان نتیجه آن سه می‌فرماید ”لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُوْنَ“، یعنی بدنبال تقوی و خود سازی و قرب بخدا و بند و جهاد در راه خدا، ظفر و پیروزی و رسیدن به یک جامعه آید آمل خواهد بود، جامعه‌ای که در آن جامعه عدالت، تقوی، قرب بخدا وجود دارد و زمینه‌های شکوفاشدن و پرورش یافتن استعدادهای مادی و معنوی مهیا است که در بر توان فلاح و ظفر خرویی و جهان دیگر هم خواهید یافت.

ادامه دارد

- ۱- عنکبوت آیه ۷
- ۲- مائده = ۲۵
- ۳- توبه = ۷۲، تحریم آیه ۹
- ۴- انفال = ۶۵
- ۵- تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۶۹
- ۶- رجوع شود به ج ۱ وسائل ابواب مقدمات عبادت
- ۷- تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۱۸۵ روایت ۱۷۵
- ۸- تفسیر مجمع البیان ج ۳ ص ۱۸۹

